

آنجا می آیند آن مکان را همانند خانه خود بدانند، فعالیت کنند، باغچه‌هایی داشته باشند سبزی بکارند، گل بکارند و مثل خانه شود. چرا می گویند خانه سالمندان؟ گفتم به خاطر اینکه خیلی از دهه شصتی‌ها ازدواج نکرده‌اند و چند وقت دیگر کسی نیست از اینها نگهداری کند. افرادی هستند که ازدواج کرده‌اند و اولاددار نمی شوند. در نهایت در سال‌های آینده با معضل سالمندی که گوشه خیابان می گذارند روبه‌رو هستیم. قبلا بچه سر راه می گذاشتند و الان سالمند می گذارند. این برای سال‌های آینده است. اگر امروز فکری برای این موضوع نکنند در سال‌های آینده بحران خواهیم داشت. امیدوارم این به بار بنشیند و من موفق شوم. آنجا هم دوست ندارم خانه سالمندان باشد، اینجا دولت‌سرای آقامرضی علی است. با المان‌ها و فکر خاصی این انجام شود. در ذهنم یک مسائلی بود ولی آنها قبول نمی کنند. در این منطقه درمانگاهی است که درمانگاه آمریکایی‌هاست. از سال ۵۷ در این را بستند و در این مکان مواد می کشند و مواد پخش می کنند. به همه التماس کردم. رئیس بهزیستی را دیدم، رئیس فلان ارگان را دیدم که اینجا را به من امانت بدهید. ساختمانی است که خرابه است و در آن بسته است. گفتم این را به من بدهید من درست می کنم. با کمک مردم درست می کنم. این منطقه درمانگاه ندارد که مردم مشکلات خود را حل کنند. جایی از کمیته امداد گرفتیم که اگر چوب لای چرخ ما نگذارند آنجا را امانت به ما واگذار می کنند که زمین است تا کار آفرینی برای خانم‌های بدسرپرست و بی‌سرپرست راه بیندازیم تا این خانم‌ها روی پای خود بایستند. من رفیقتی دارم که لباس ایرانی تولید می کند. گفت چرخ خیاطی می آورم و اینجا می گذارم، خودم آموزش می دهم، خودم می گویم چه کنند، خودم هم می خرم. فقط چرخ را ردیف کنید. التماس کمیته امداد کردم و آنقدر آدم دیدم که کار را ردیف کنند ولی هنوز نشده، هرچند در مراحل پایانی است. اگر این اتفاق بیفتد اتفاق خوشایندی است. آرزوهای زیادی در سرم دارم. خدا کند در کنار روضه امام حسین فردا روزی به نیکی این طور یاد بشویم. این تکثیری می شود. مهدیه‌ای که آقای کافی احداث کرد را به یاد دارید؟ من دنبال آن تکیه‌گاه درکل کشور هستیم. درکل کشور ۲۲۰۰ منطقه همچون هرنس‌دی داریم. این کارهای این تیبسی از بچه‌های حیاتی برمی آید. اینها عاشق کار و از خودگذشتگی هستند، نه فقط هلالی باشند، بلکه همه دوست دارند فقط راه و جا و مکان نیست. من پیام‌های این هیاتی‌ها را دارم که می گویند آرزو داریم بتوانیم کار اینجینی کنیم، از خودگذشتگی کنیم، اینکه خدمتی به جامعه و مردم کنیم. کاش دستگاه‌های دولتی ما می آمدند و این کار را به دست بچه‌های حیاتی می سپردند، آن بودجه‌ای که صرف می کنند کمتر ش را با یک چارت و حساب و کتابی به هیات‌ها بدهید. از آنها بخواهید به یاری مردم بروند. آن وقت امام حسین زبانت از این چیزی می شود که در ذهن مردم است.



منطقه قشنگ می شود. حتی اگر یک هفته باشد. این فردی که زباله‌گرد بود ظاهر مرتبی پیدا می کند. ظاهر شهر شما تمیز می شود. شما باید از من تشکر کنید. به من می گویند منطقه را آلوده کردید. گفتم راه حل شما چیست؟ گفت اینجا نیابند. گفتم اینجا نیابند خیابان کناری می روند که منطقه یازده است. شما برای منطقه و میز خود می جنگید، نه برای رضایت خدا! ما اگر جای رئیس این مسئولان بودم با این نوع تفکر برخورد می کردم. چون نمی توانید تعهد کاری بدهید می گویند از منطقه خود به منطقه دیگر بیرون بیندازم. منطقه من، میز من و شهرداری من و... است. وقتی آقای فلانی می خواهد از اینجا خارج شود دستور می دهند سریع اینجا را تمیز می کنند. من اگر کاره‌ای در این حوزه بودم همه این مسئولان را بیرون می کردم. به مردم و شهر دروغ می گویند و این واقعیت نیست. می‌پرسم چرا اینجا را تمیز می کنید؟ می گویند قرار است شهردار از اینجا بازدید کند! قرار بود به دین و مسردم خدمت کنند، الان به مردم خیانت می کنند، به مردم یاد می دهند به شما دروغ می گویم. چرا فکر می کنید مردم این را نمی فهمند؟ این است که مشکلات روی هم انباشته می شود. می گویند به من رسیدگی شود، خانواده من تامین باشند، به ما خوش بگذرد، ببخشید گور بابای همه! اسلام و مسلمانی این است؟

رضا هلالی ممکن است با این کارها به اوجی برسد که بخیل‌ها و حسودان دوباره سراغ شما بیایند و همچنین کلیپ‌هایی از شما می‌بینیم که هیچ ابایی ندارید کنار چهار تا بچه بایستید و سرود بخوانید. انکار برای همه رده‌های سنی برنامه دارید. صحبتی را چند سالی می‌کنند که کارکردهای اجتماعی هیات‌های مذهبی چیست؟ برای این مراسم گذاشتند و مقاله نوشتند ولی این چیزی که شما انجام می‌دهید عملی‌تر و ملموس‌تر از این است که جلسه بگذاریم. همایش‌ها را باید تعطیل کنیم.

کارکرد اجتماعی هیات همین است. قرار است اتفاق دیگری بیفتد؟ بله دقیقا همین است.

دردسر دارد که بقیه سراغ این کارها نمی‌روند؟ من سمج هستم. شاید بقیه هم دوست داشته باشند این کار را انجام دهند.

بقیه هم شهر خود را می‌بینند و مشکلات را می‌بینند. عده زیادی از مداحان و ذاکران امام حسین می‌دانم خیلی علاقه دارند از این کارها کنند ولی امکانات ندارند. گاهی می‌گویند جایی نداریم این کار را کنیم. اگر با اینها صحبت شود و قدری به آنها یاد داده شود انجام می‌دهند. باید شب و روز را وقت بگذارند. بچه‌های حیاتی پای کار هستند. کسان دیگری هم کار می‌کنند. می‌دانم خیلی از مداحان چهیزه می‌دهند و کارهای اجتماعی اینجینی می‌کنند. ما برجسته‌تر شدیم ولی همه مداحان در این حوزه زحمت کشیده و می‌کنند.

این مدل کار نبوده است. شاید این مقدار نبوده ولی مدل‌های دیگر بود. فکر می‌کنم شدنی است. افراد دوست دارند از این کارها کنند.

کمی درباره کلیپ‌هایی که از شما همراه با نوجوانان بیرون می‌آید صحبت کنیم؟

در این خصوص هم خیلی‌ها به ما حرف تند زدند. همه فکر می‌کنند سرود سلام فرمانده برای یک ماه پیش است و کسی گفته سلام فرمانده و بچه‌ها هم تکرار کردند. در صورتی که این طور نیست. این عقبه دوساله دارد. کار کردند و به اینجا رسیده است. من خوشحالم از این اتفاقی که افتاد.

عامدانه سراغ نوجوانان رفتید؟ بله، منتها آرزوی ما این نیست. ما الان باید باشگاهی برای نوجوانان داشته باشیم، برای دهه نودی‌ها داشته باشیم. یک باشگاه بزرگ در کل کشور داشته باشیم. به نوعی اینها

فرهنگ



چون مورد استقبال قرار گرفت جرات نمی‌کنند مخالفت کنند.

اینجا از یک جایی بوده است. دعاها را از قبل با هم کرده‌ایم و فقط سر سفره پلو را نخوردیم. ما با بدبختی این سفره را انداخته‌ایم و با بدبختی این غذا را آماده کرده‌ایم و الان همه سر این سفره نشستند می‌گویند چقدر خوشمزه است!

شما یکی از آسپه‌های سلام فرمانده بودید؟ دوسال قبل کار کردیم. آقای روحی می‌گفت من مداد رنگی را خواندم و در این دو سال سرود کار کردن‌ها خوب بود. دریای آرامش را خواندیم و شاید هفت هزار ویدئو برای من ارسال کرده‌اند که دخترها و پسرها خوانده‌اند. مداد رنگی هم این طور بود. الحمدلله خدا این را برجسته کرد، این اتفاق افتاد. باید دید سلام فرمانده از کجا شروع شد و بعد از آن قرار است به کجا برسیم. این را باید توجه کرد. این سرود نباید تمام شود، هنوز کار دارد. این بی‌انصافی است اگر اینجا تمام کنیم.

نقدها به سلام فرمانده را خوانده‌اید؟ بله، هر کاری نقد می‌شود. اثرات مثبت و منفی را باید با هم دید.

درباره شعر و کیفیت و کلام نقدهایی شد. درباره شعر، من هم نقد دارم و قطعاً مشکلاتی دارد ولی این به دل مخاطب نشسته و خدا نمک این کار را پاشیده است. باید بهتر را انجام دهیم. من همیشه می‌گویم کسی که نقد دارد من استقبال می‌کنم، شعر را بگویند و همین الان اجرا می‌کنیم.

همه نقدها اینطور نیست که من به شعر نقد دارم، من شاعر نیستم ولی متوجه می‌شوم این شعر چیزی کم دارد.

من از لحاظ تخصصی می‌گویم. در خانه من هم یکی از بچه‌هایم این سرود را دوست دارد و آن یکی دوست ندارد. این سلیقه است. من از جهت کار تخصصی می‌گویم. کسی که شعر و سبک می‌داند و در این حوزه کار می‌کند نقد می‌کند، این پیشنهادها را می‌دهد که مثلا در این حوزه‌ها کار کنیم. مثلا من الان کاری برای محرم می‌خواهم آماده کنم، پیشنهاد داده‌ام و درباره حجاب است. چه راهی برای من دارید؟

حتما با دلایل اختصاصی خیلی ویژه‌ای که ما حزب‌اللهی‌ها استقبال می‌کنیم نمی‌شود. من دغدغه دارم که چطور چادر سر دختر بچه خود کم.

من چه فکری برای این موضوع دارم؟ من روی این فکر کردم که چطور این دختر بچه چادری شود.

باید علاقه‌مند شود تا انتخاب کند.

چطور این ممکن است؟ ظرافت‌های خاصی دارد. چادر سر کردن بچه اینطور نیست که من جایزه بدهم و بچه چادر سر کند.

اتفاق جالبی برای دخترم افتاد که چادر برای او خریدیم و هر موقعی می‌خواهد سر کند آنقدر قربان صدقه می‌رویم که پالس منفی نداشته باشد ولی سر نمی‌کند. یک روز شهادت حضرت زهرا (س) مهد کودک می‌خواست بروم، گفت می‌خواهم چادر سر کنم. آن روز اینطور بود. از طریق محبتی که برای او ایجاد شده بدون اینکه اصراری کنیم این کار را کند، علاقه داشت این کار را انجام دهد.

من برای بچه‌ها چه کار می‌توانم انجام دهم؟

خط قرمز این استودیوخوانی کجاست؟ من فکر می‌کنم باید رعایت اندازه را کرد.

این نگرانی وجود دارد که نکنند جایگزین شیوه مرسوم می‌شود که برای عزاداری است.

اینطور نمی‌شود. ۱۴۰۰ سال است که این روش وجود دارد. آقایانی که درباره استودیوخوانی مخالف بودند، چادر باره سلام فرمانده حرفی نمی‌زنند؟ سلام فرمانده از کجا آمد؟



به نظرم ۹۰-۸۰ درصد پدر و مادرها به اتفاق دوست دارند بچه‌ها در این راه باشند. هیچ کسی از امام حسین (ع) بدش نمی‌آید، دوست دارند بچه‌ها در راه خدا باشند. مگر می‌شود کسی نخواهد؟ گاهی با زیاده‌روی‌ها و تندروی‌ها مخالف هستند ولی همه دوست دارند بچه‌هایشان در راه امام حسین (ع) باشند. شاید پدر و مادر خیلی دینی نباشند ولی عاشق این هستند که بچه آنها اهل خدا و نماز و اهل امام حسین (ع) و هیات باشد. ما در این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

ما از این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم

تاثیر رفتار جمع بر فرد است.

بله، این یک نشانه است. بچه این را دوست دارد شاید شعر را متوجه نشود. آدم باهوش این را می‌فهمد. برای حجاب بچه هم می‌توانیم تاثیرگذار باشیم. خواننده آن‌ور آبی قطعه‌ای خواننده چرا حیج و هواری می‌کنیم که بچه‌های ما از دست رفتند؟ چون او این کار را کرده است، قرار نیست من گارد بگیرم. من هم به زمان درست می‌کنم، نه اینکه عجولانه تصمیم بگیریم. باحوصله کار می‌کنیم.

با او شطرنج بازی می‌کنید؟

آن شب صحبت کردیم و از دریای آرامش شروع شد. باگ تصویر مرا دیدید؟ چند دختر کنار من بودند و چند پسر. می‌دانید چقدر درباره این دخترها به من فحش دادند؟ اینکه دخترها را آورده و واحسینا! این دختر قرار است فردا مادر شود. این مهم‌تر از این پسر است. ما این شعر را خواندیم و کاش کامنت‌های عقیق باشد که بخوانید. همه مذهبی بودند و بد و بیراه می‌گفتند. نمی‌داند و حق دارد. سراغ مداد رنگی رفتیم. قبل از این شاه نجف با پسرها بود. برای پسرهای فلانی خوانده ما هم کار کنیم، اشکالی ندارد. امروز به گل قضیه رسیده است. همین طور پاس می‌دهند که گل زده می‌شود. هر کسی هم این گل را زد نوش جانش! این گل بازی است و باید بازی کرد. مست این گل نشوید و بازی ادامه دارد. یکی خوانده بود که اول اینستا بعد کتاب! من برای همین شعر درست کردم. من باید پای تخته بروم و یک چیزی برای بچه‌ها بخوانم.

بر اساس همان است؟

خیر، به آن کاری ندارم. من هم می‌خواهم پای تخته به بچه‌ها درس امام حسین (ع) بدهم. من هم می‌خواهم بگویم نماز، روزه، عشق امام حسین (ع)!

ظرافتی که آن آدم انجام می‌دهد روی ریتیم سرمایه‌گذاری می‌کند.

ایرادی ندارد. ما روی ریتیم خیلی نمی‌توانیم مانور بدهیم ولی اثری‌ای به نام امام حسین (ع) داریم. شما حرکت کنید قدرت را می‌دهند. من به این یقین دارم. یکی کار حجاب است که مخصوص دخترهاست و دیگری مدرسه مختص پسرهاست. این دو کاری است که می‌خواهیم انجام دهیم.

درباره این حجاب فکر کردید قرار است عموم جامعه را دربربگیرد؟

خیر، اصلا لازم نیست. وقتی هشت بچه ایستاده باشند و یکی چادر داشته باشد و دیگری نداشته باشد، ناخودآگاه می‌خواهد چادر داشته باشد.

عموم جامعه چطور؟

این هم می‌رود، عجله نکنید. اتفاقا آنها می‌گویند کسی که چادر دارد که هیچ، آنکه چادر ندارد چادر سر می‌کند. اگر خدا بخواهد طوری ردیف می‌کند که باور نمی‌کنید یک استادبوم ۱۰۰ هزار نفری بخوانند سلام فرمانده! فکر این را می‌کردید؟ این را خدا خواسته است.

قطعا صداوسیما هم پای کار آمد.

بله، اینها تاثیرگذار بود.

در برخی مسئولان این‌را می‌بینیم که شطرنج بلد نیستند و فقط بوکس دوست دارند یا کاراته دوست دارند. درباره ساسی‌مانکن و تنلو مطالب زیادی نوشتم.

اتفاقا این بازی است. وقتی آنها بازی می‌کنند، شما هم بازی کنید. با برداشتن مدیر مدرسه، توبیخ بچه‌هایی که با هم خوانده‌اند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد، حتی با این اقدامات کار به لجبازی می‌رسد و قضیه بدتر می‌شود. آهنگ تولید کرده‌اند شما هم یک آهنگ تولید کنید. چرا باید صبر کنیم او کاری کند که من کاری کنم؟

حالا که عقب افتاده‌ایم.

خیلی وقت است که عقب افتاده‌ایم ولی می‌توانیم برای هر قشری برنامه‌ریزی و کار کنیم. چرا شاد را رها می‌کنیم؟ چرا استادبوم آزادی را رها کرده‌ایم؟ چند بچه در این استادبوم جا می‌شوند؟ چرا اینها را رها کرده‌ایم؟ چه کسی متصدی است؟ چه کسی پای این می‌ایستد؟ یک وزیر برای این کار بگذارند. فقط برای دهن نودی‌ها کار کند. من آدم برای پنج‌سال دیگر می‌خواهم. روزه که پای منبر من آمدند بچه‌های ۱۵-۱۳ ساله بودند. همه می‌گفتند هرچه بچه هست دور خود جمع کرده‌اند. من آن روز می‌دانستم این بچه ۱۰ سال دیگر ۲۵ ساله است. مثلا می‌گفتند هلالی را صداوسیما راه نمی‌دهند به شبکه پویا رفته است. ایده‌ها اینطور است و ضعیف است.

ترسی ندارید از اعتبار خود خرج کنید؟

اصلا. من الان چه هستم؟ من آقای فلان مسئول شوم در نهایت کف قبر قرار است بخوابم. وجاهت مرا آدم‌ها نمی‌دهند، بلکه خدا و امام حسین (ع) می‌دهد. من جلوی شما نشسته‌ام چیزی از من کم می‌شود یا چیزی به من اضافه می‌شود. کت وشلوار بپوشم بالاتر می‌شوم؟ در ادارات باید کت وشلوار را قاب کرد و روی دیوار زد. در این ادارات برای نوکری مردم نباید کت وشلوار پوشید، باکت وشلوار نوکر مردم نمی‌شوید. لباس را باید درآورد و بسرای مردم دوید. چقدر می‌خواهیم در چهارچوب آقای فلان، جایگاه فلان باشیم. اگر مسئول بودیم می‌گفتم همه کت وشلوار را دربیابند و لباس کت زن کنند، باید برای مردم کار کرد.